

سبک حدّ واسط یا مکتب وقوع

شعر قرن دهم، حدّ واسط سبک عراقی و سبک هندی است. شعر این دوره حدود صد سال جریان دارد. در قرن دهم حکومت در دست اخلاف تیمور بود و به طور کلی آشفتگی اوضاع، در فرهنگ این دوره نیز تأثیر داشت. در قرن دهم دو جریان شعری وجود داشت، اول شعر لطیف و فصیح و روان

باباغانی که به طور طبیعی شعر حافظ را به سوی سبک هندی می‌کشاند؛ دوم مکتب وقوع که حاصل چاره‌اندیشی شاعران جهت تغییر سبک و رهایی از مخمصه تقلید و ابتذال بود. شاعران مکتب وقوع برای گریز از شعر سبک عراقی، که از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته بود، به سوی حقیقت‌گویی و واقعیت (وقوع‌گویی) بازگشتند و وقایع بین عاشق و معشوق و حالات آن را مبتنی بر واقعیت بیان نمودند، ولی چون در جامعه قرون وسطایی آن دوره نمی‌توانستند از معشوق زن نام برند، به جای معشوق زن به معشوق مرد روی آوردند و به همین دلیل شعر مکتب وقوع بی‌جان و غیرقابل اعتنا گشت. مکتب وقوع را «واسوخت» می‌گویند، که واسوخت به معنای اعراض و روی برتافتن است. در شعر این دوره، عاشق از معشوق روی برمی‌تابد و به سراغ معشوق دیگر می‌رود. مبدع این طرز وحشی بافقی است. عمده‌ترین شاعران این دوره عبارتند از: لسانی شیرازی، وحشی بافقی، شرف جهان قزوینی و مختشم کاشانی. نقطه اشتراک مکتب وقوع با سبک هندی تنها در به کار